

## هوالحکیم

### تحلیلی از شکاف نظریه و عمل تربیتی در جامعه معاصر ایران

#### و تبیین نقش تحقیقات کاربردی تربیتی در مواجهه با این شکاف

(بחי روش شناختی در باره پژوهش کاربردی تربیتی؛ پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش و به مناسبت هفته پژوهش ۹۶/۹/۲۸)

دکتر علی رضا صادقرزاده قمصری

عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس

#### خلاصه بحث

یکی از دغدغه های رایج بین عموم نظریه پردازان تربیتی آن است که حاصل تلاش فکری ایشان در جهت شناخت و هدایت شایسته جریان «تربیت»، در تنظیم سیاستها و برنامه های تربیتی مصوب، طراحی و اجرای نظام های آموزشی و بیش از آنها در اندیشه، نگرش و اعمال واقعی معلمان و مربیان باز تاب یابد. اما از مرور گذرا بر تاریخ علوم تربیتی بدست می آید که با وجود رشد قابل توجه این عرصه علمی و تحولات چشمگیر در آن، دستاوردهای دانش و پژوهش تربیتی تاثیر چندانی بر عرصه سیاست و عمل تربیتی در جوامع گوناگون نداشته و نداردند.

اما با عنایت به گسترش کم نظیر جریان تربیت در عصر حاضر و تلقی متعارف عموم سیاست گذاران و مدیران ارشد جوامع از این جریان به منزله محور اصلی توسعه همه جانبه و پایدار، تاثیرگذاری دانش و پژوهش تربیتی بر این فرآیند دشوارتر شده و این معضل بیشتر مجال بروز و ظهور یافته است. در نتیجه می توان گفت که در جوامع کنونی «معضل ناکارآمدی در قلمرو دانش و پژوهش تربیتی» بیشتر رخ نموده، به گونه ای که بایستی از این معضل به منزله چالشی مهم یاد کرد که انواع دانش و پژوهش تربیتی علیرغم پیشرفت و تحول قابل ملاحظه در رویکردها و دستاوردهای ارزشمند خود، در ادامه حیات خود و در افق پیش رو باید با آن مواجه شوند. در این بحث با اذعان به وجود مشکل یادشده در سطح جهانی، صرفا بر چالش شکاف آشکار بین دستاوردهای دانش و پژوهش تربیتی با سیاست ها و اعمال تربیتی رایج در کشور خود، متمرکز می شویم و می کوشیم تا با ارائه تحلیلی از نحوه پیدایش این چالش، راه حلی مناسب و عملی را برای مواجهه با آن پیشنهاد نمائیم.

#### اهم مفروضات بحث:

۱- علوم تربیتی مجموعه ای از رشته های علمی (Disciplines) در قلمرو معارف بشری است که بر مبنای مطالعه و تحقیق نظری (Theoretical Research) و تخصصی پیرامون فرآیند تربیت و عناصر و مولفه های گوناگون آن، تولید و اعتبار بخشی انواع نظریه های تربیتی مورد نیاز برای شناخت و هدایت این جریان را بر عهده دارد. لذا در علوم تربیتی به معنای معارف مدون حاصل پژوهش پیرامون فرآیند تربیت در سطحی نظری و در راستای تولید انواع معرفت عام و کلی مورد نیاز برای شناخت و هدایت جریان تربیت، صرفا پرسش ها و مسائلی مطرح می باشد که در رابطه با فرآیند تربیت (موضوع کلی این حیطه) به نحوی جنبه عام، کلی و مشترک دارند و

طبعاً کسب قضایای کلی (معرفتی کلی و قابل استفاده در موقعیت‌های زمانی مکانی مختلف و توسط اشخاص گوناگون) را اقتضا می‌نمایند.

۲- به نظر می‌رسد تقسیم علوم تربیتی به سه دسته کلی دانش فلسفی، دانش تجربی و دانش عملی بهتر می‌تواند یکپارچگی و انسجام این حیطه علمی را حفظ کند. (برزینکا ۱۳۷۶) هدف اصلی هر سه نوع دانش تربیتی به لحاظ ماهیت نظری آنها تولید و اعتباربخشی انواع نظریه‌های (فلسفی، تجربی و عملی) تربیتی مورد نیاز برای شناخت و هدایت جریان تربیت و ابعاد و مولفه‌های متعدد آن است با وجود اینکه تفاوت آشکاری بین دستاوردهای آنها از لحاظ انتزاعی بودن و نزدیکی به عمل تربیت وجود دارد.

۴- اما در قبال نظریه پردازان علوم تربیتی، کارگزاران عرصه عمل تربیت (در همه سطوح متنوع آن از سیاستگذاری و برنامه‌ریزی کلان و ملی و منطقه ای تا مدیریت و برنامه ریزی محلی در مدرسه و حتی اقدامات فردی هر یک از مربیان در کلاس درس و محیط واقعی تربیت) همواره با شناخت و هدایت عمل تربیت در زمان و مکان و موقعیت مشخص و معین مواجه هستند و دغدغه اصلی آنها پاسخگویی به پرسش‌های متنوعی است که در هنگام اتخاذ تصمیمات عملی ناظر به زمان و مکان معین و موقعیت مشخص و در روند طراحی و برنامه ریزی یا مدیریت، اقدام و اصلاح عمل تربیتی مربوط به خود با آنها روبرو می‌شوند.

۵- پژوهش چیزی جز تلاش روشمند و نوآورانه محقق برای حل مساله نیست. به بیان دقیق تر « پژوهش فرایند نظام مند پردازش اطلاعات است، متعلق به گستره خاصی از علوم، دارای هویت جمعی، متضمن نوآوری و معطوف به حل مساله ای مشخص»

اما حل مساله در فرآیند پژوهش می‌تواند در دو جهت متفاوت ولی مکمل هم باشد:

الف - حل مساله در جهت تولید و توسعه دانشی معین و درنوردیدن مرزهای آن دانش.

ب- حل مساله در راستای کاربرد نتایج دانشی معین به منظور رفع مشکلات و نیازهای زندگی انسان».

در ادبیات روش شناسی پژوهش این دو جهت گیری متفاوت منجر به شکل گیری دو نوع اساسی با عنوان تحقیقات بنیادی (basic research) و تحقیقات کاربردی (applied research) شده است. البته این تقسیم بندی به معنای این نیست که تحقیق بنیادی و تحقیق کاربردی باهم هیچ گونه وجه اشتراکی ندارند بلکه روشمندی، نوآورانه بودن، مساله محور بودن، هویت جمعی و وابستگی به دست کم یک رشته علمی از جمله وجوه اشتراک این دو نوع تحقیق است.

### تحلیل نحوه پیدایش شکاف نظریه و عمل تربیتی

با توجه به ماهیت نظریه پردازانه علوم تربیتی، مساله ی محوری در پژوهش نظریه پردازانه تربیتی (در همه انواع دانش فلسفی، تجربی و عملی تربیت)، پرسش تربیتی مشخص ولی ناظر به مشکلی کلی، انتزاعی و فراتر از شرایط زمانی و مکانی خاص و مربوط به جامعه معین و مشکلات و موضوعات تربیتی مختص آن جامعه است و پژوهشگر در انواع علوم تربیتی اساساً در صدد است تا به پاسخگویی

روشنند و نوآورانه به این پرسش مشخص از منظر رشته علمی خود پردازد تا پاسخ او در کمک به شناخت و حل مشکلات تربیتی عام و جهان شمول و قابل مطرح شدن برای شناخت و هدایت ابعاد و جنبه های عمل تربیت در جوامع گوناگون بکار آید. نکته شایان توجه اینکه شاید انگیزه اولیه محقق نظریه پرداز در برخورد با مساله اصلی پژوهش، مواجهه با مشکل تربیتی خاص و ویژه ای باشد که با آن ارتباط داشته است اما هدف اصلی نظریه پرداز تربیتی قطعا محدود شدن به شناخت و حل مشکل مربوط به جامعه خاص و مشخص و پاسخگویی به مساله مربوط به آن مشکل خاص نیست و علی الاصول در تحقیق خود داعیه دار کمک به شناخت و حل مشکل تربیتی کلی و فرازمانی و فرامکانی می باشد.

بنابر این پژوهشگر نظریه پرداز در علوم تربیتی اساسا از منظر کارگزار تربیتی به شناخت و حل مشکلات تربیتی جامعه نمی نگرد و دغدغه اصلی او حل و فصل مشکلات و نیازهای تربیتی اینجا و اکنون جامعه مشخص نیست ولی انتظار دارد که علی الاصول کارگزار تربیتی با تکیه بردستاوردهای نظری معتبر کلی و جهان شمول علوم تربیتی، در مسیر حل و فصل اینگونه مشکلات و نیازهای تربیتی مشخص و در نتیجه شناخت و هدایت ابعاد مختلف عمل تربیتی خود گام بردارد. چنانچه کارگزاران تربیتی نیز متقابلا بخاطر مواجهه روزمره با مشکلات واقعی تربیت در صحنه عمل، پاسخگویی روشنند و عالمانه به پرسش های مختلف مربوط به شناخت و راهنمایی عمل تربیت را در سطحی کلی و انتزاعی (فرازمانی و فرامکانی) دنبال نمی کنند و انگیزه ای برای یافتن پاسخ های معتبر و کلی جهت چنین پرسش هایی ندارند.

اینک اگر کارگزاران عمل تربیت بتوانند دستاوردهای معتبر نظری علوم تربیتی را به کمک کارشناسان زبده و مسلط بر این دستاوردها و نحوه تطبیق آنها، برای شناخت و بهبود عمل تربیتی در شرایط خاص بکار گیرند که در این صورت با مشکل خاص ولاینحلی مواجه نخواهیم شد (که خوشبختانه در بسیاری از موارد با همین کاربرد مناسب انواع دانش تربیتی برای شناخت و حل نیازها و مشکلات تربیتی در جامعه سروکار داریم). ولی اگر در مواردی در تطبیق مدعای کلی نظریه های انتزاعی تربیتی به مصادیق عمل عینی تربیت - به دلیل پیچیدگی موضوع و شرایط خاص آن یا نوپدید بودن و یا گستردگی و تنوع موارد تطبیق از سویی و یا به دلیل عدم کفایت و جامعیت نظریه تربیتی مفروض از لحاظ عدم تناسب با مصداق عملی مورد نظر - با مشکل و دشواری مواجه شویم، به نظر می رسد صرفا در این موارد خاص، فاصله ای آشکار بین نظریه پردازان تربیتی و کارگزاران عمل تربیت پدید می آید که به این فاصله در اصطلاح، شکاف نظریه و عمل (Theory- Practice Gap) تربیتی گفته می شود.

### **چند نکته در مقام تبیین شکاف نظریه و عمل تربیتی :**

۱- بروز این شکاف امری طبیعی و ناشی از ماهیت نظریه ورزانه و انتزاعی علوم تربیتی از یک سو و خصوصیت انضمامی و وابسته به زمان و مکان خاص عمل تربیتی از دیگر سو است و به تعبیر فلسفی این اختلاف مربوط به تفاوت «دانش حقیقی» (ناظر به قضایای کلیه منطقی) با «معرفت شخصی» (ناظر به قضایای جزئی منطقی) است. لذا نباید در وهله نخست بروز این شکاف را به عوامل دیگری (نظیر کم توجهی عامدانه کارگزاران تربیتی به استفاده از دستاوردهای علوم تربیتی و یا غفلت و کم توجهی عالمان علوم تربیتی از واقعیات صحنه عمل تربیت و یا به اسباب وزمینه های اجتماعی و مدیریتی) نسبت داد.

۲- با عنایت به ماهیت تئوریک همه دانش های تربیتی ، شکاف نظریه و عمل تربیتی در همه انواع دانش های تربیتی (فلسفی، تجربی و عملی) امکان بروز و ظهور دارد ؛ همچنین با عنایت به نقش و کاربرد متفاوتی که از انواع نظریه های فلسفی، تجربی و عملی محصول علوم تربیتی در مقام کمک به شناخت و هدایت فرآیند تربیت ، شکاف نظریه و عمل تربیتی نیز در انواع دانش های تربیتی جلوه های گوناگونی می یابد.

۳- امکان بروز شکاف نظریه-عمل تربیتی در دنیای معاصر در مواردی که نظریه های تربیتی نتوانند تنوع و گستردگی مصادیق عمل تربیت در جوامع مختلف را با عنایت به شرایط فرهنگی واجتماعی خاص حاکم بر آنها، بطور مناسب پوشش دهند و یا در جوامع و موسسات و سازمان هایی که روند تصمیم سازی و تصمیم گیری در باره سیاست ها و برنامه های کلان تربیتی از سوی کارگزاران به شکل متمرکز (براساس التزام به لوازم یک نظریه تربیتی عام- با داعیه فرامکانی و فرازمانی- و بدون ملاحظه شرایط خاص عمل تربیتی در محیط های منطقه ای/محلّی و بدون تفویض بخش قابل توجهی از روند تصمیم سازی و تصمیم گیری در باره عمل تربیتی به عاملان منطقه ای/محلّی) صورت می گیرد بیشتر است و عواقب وخیم تری را در پی دارد. زیرا کارگزاران تربیتی در سطوح منطقه ای/محلّی بسرعت احساس می کنند بین واقعیت های عمل تربیتی در شرایط خاص و سیاست ها و برنامه های کلان ملی فاصله ای بسیار زیاد وجود دارد که این شکاف بخاطر تکیه آن سیاست ها و برنامه های کلان و ملی/بومی بر شماری از نظریه های تربیتی عام (با داعیه اعتبار فرازمانی و فرامکانی) است که واقعیت های عمل تربیتی در شرایط ملی /بومی را در نظر نگرفته اند.

لذا می توان گفت آن دسته از نظریات تربیتی که بدون بررسی رعایت تناسب مفروضات اساسی و نتایج آنها با جهان بینی و نظام فرهنگی و ارزشی کشورهای مقصد صرفا به شکل تقلیدی (توسط عالمان علوم تربیتی) مورد قبول گیرند یا نظریاتی که بدون ملاحظه اینکه آیا سیاست ها و برنامه های مبتنی بر آنها به مشکلات و نیازهای جامعه بومی/منطقه ای/محلّی معطوف است، مبنای عمل سیاستگذاران و برنامه ریزان تربیتی در سطح ملی به صورت متمرکز می شوند ، بسرعت در معرض شکاف با عمل تربیتی قرار می گیرند.

### **تبیین روش شناختی تحقیق تربیتی کاربردی و نقش آن در مواجهه با شکاف نظریه و عمل تربیتی**

۱- وجه تمایز اصلی تحقیق تربیتی کاربردی از تحقیق تربیتی نظری ، در عین اشتراک با آن در مساله محوری و منجر شدن به نتیجه نوآورانه ، این است که مساله ی محوری در پژوهش نظریه پردازانه تربیتی (در همه انواع دانش فلسفی، تجربی و عملی تربیت) ، پرسش تربیتی مشخص ولی کلی، انتزاعی و فراتر از شرایط زمانی و مکانی مربوط به جامعه معین و مشکلات و موضوعات تربیتی مختص آن جامعه است که پژوهشگر در صدد است تا به پاسخگویی روشمند به این پرسش مشخص از منظر رشته علمی خود ناظر به شناخت و حل مشکلاتی عام و جهان شمول برای شناخت و هدایت ابعاد و جنبه های عمل تربیت در جوامع گوناگون پردازد؛ البته شاید انگیزه اولیه محقق نظریه پرداز در برخورد با مساله اصلی پژوهش، مواجهه با مشکلی خاص و ویژه باشد که با آن ارتباط داشته است و یا در روند تحقیق خود (خصوصا در تحقیقات مربوط به دانش تجربی و عملی تربیت) مصادیق مشخصی از پرسش کلی مورد نظر خود را بررسی کند و سپس یافته های خود را به سایر مصادیق تعمیم دهد، یعنی تحقیق نظری تربیتی اساسا بدنبال درنوردیدن مرزهای دانش تربیتی موجود و توسعه کمی و کیفی آن از رهگذر نقد و ارزیابی نظریه های تربیتی موجود و یا تولید نظریات تربیتی جدیدی است که پاسخ

های کلی و فرازمانی و مکانی معتبری را برای مسائل تربیتی عام و انتزاعی در باره فرآیند تربیت و ابعاد و جنبه های آن فراهم می آورند

لذا هدف اصلی نظریه پرداز تربیتی قطعاً محدود شدن به شناخت و حل مشکل مربوط به مورد خاص و مشخص و پاسخگویی به مساله معین مربوط به آن مشکل خاص نیست. در حالی که هدف اصلی تحقیق تربیتی کاربردی، بکارگیری نوآورانه و مناسب دانش نظری موجود (و فرضاً معتبر) برای شناخت و حل مسائل تربیتی معین (ناظر به مشکلات و نیازهای تربیتی مربوط به زمان و مکان و موقعیت تربیتی خاص) است؛ البته پژوهش تربیتی کاربردی به لحاظ رابطه با نوع نظریه تربیتی پشتیبان آن می تواند شامل هر سه نوع پژوهش تربیتی فلسفی، تجربی و عملی باشد بشرطی که ناظر به شناخت و حل مسائل تربیتی مربوط به موضوع مشخص و معین (در زمان و مکان خاص) باشند. به عنوان نمونه تحقیق در باره «تبیین و نقد فلسفی محتوای یک برنامه درسی معین (فی المثل برنامه درسی مصوب حوزه علوم اجتماعی در مقطع متوسطه) در نظام تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر نظریه ای در عرصه دانش فلسفه تربیت»، پژوهشی کاربردی در عرصه تربیت با ماهیت فلسفی به شمار می آید و «بررسی و ارزیابی نتایج اجرای آزمایشی این برنامه درسی در دبیرستان های شهر مشهد از منظر مدیران دبیرستان ها و کارشناسان گروه های آموزشی» تحقیق کاربردی با ماهیت تجربی محسوب می شود و «ارائه الگویی پیشنهادی برای اصلاح سرفصل ها و روش تدریس همین برنامه درسی براساس روش داده بنیاد»، پژوهشی کاربردی با صبغه عملی خواهد بود.

۲- بنا بر این تحلیل از دو نوع پژوهش تربیتی به نظر می رسد تحقیقات تربیتی کاربردی می توانند جایگاه ارزنده ای را جهت برقراری ارتباط مناسب بین نظریه و عمل تربیتی داشته باشند و می توان این نوع پژوهش را به مثابه واسطه ای کارآمد بین قلمرو تحقیقات نظریه پردازانه تربیتی و عرصه عمل تربیت (در همه سطوح آن از سیاستگذاری و برنامه ریزی کلان و ملی و منطقه ای تا مدیریت و برنامه ریزی محلی و حتی اقدامات فردی هر یک از مریبان) البته تنها در مواردی خاص تعبیه نمود. یعنی در مواردی که در تطبیق مدعای کلی نظریه تربیتی به مصادیق عینی با مشکل تطبیق نظریه تربیتی بر عمل مواجه می شویم و اصطلاحاً مواجه با شکاف نظریه و عمل تربیتی می شویم؛ در این صورت بنظر می رسد برای مواجهه با چنین شکافی، بجای اینکه هر یک از دو طرف ماجرا (یعنی نظریه پردازان مایل به تحقق عملی نظریات تربیتی خود و کارگزاران علاقمند تکیه بر نظریه های تربیتی معتبر) با فرافکنی کل تقصیر را به گردن طرف دیگر بیاندازند، در این گونه موارد می توانیم -وبلکه بایستی- در مقام تحقق و عملی شدن نظریه های تربیتی از انواع تحقیقات تربیتی کاربردی به مثابه واسطه مناسبی برای ایجاد ارتباط بین نظریه و عمل تربیتی بهره ببریم؛ زیرا به نظر می رسد در پژوهش تربیتی کاربردی حتی الامکان با توجه توامان به ملاحظات کلی نظریه پردازان و دانشمندان علوم تربیتی و مقتضیات زمانی و مکانی عمل تربیتی در شرایط خاص، در شناخت و هدایت عمل تربیت از سطح انتزاعی و کلی نگرانه نظریه های تربیتی بسوی سطح انضمامی عمل تربیتی حرکت خواهیم کرد.

۳- بر اساس این تحلیل، شناخت و هدایت شایسته فرآیند تربیت در مقام عمل در شرایط خاصی که تطبیق و کاربردی شدن نظریه های تربیتی با مشکل شکاف نظریه و عمل تربیتی مواجه می شود، را کارگزاران همه سطوح این جریان (اعم از لایه های سیاستگذاری، برنامه ریزی، مدیریت و اجرا و ارزشیابی و اصلاح تدابیر و اقدامات تربیتی) تنها می توانند با تکیه بر یافته های تحقیقات کاربردی به انجام

رسانند که معطوف به شناسایی و حل پرسش‌ها و مسائل خاص تربیتی مربوط به زمان و مکان مشخص هستند. البته تحقیقات کاربردی تربیتی نیز صرفاً در صورتی قابل طراحی، اجرا و تفسیر مطلوب هستند که پیش از آن مجموعه گسترده‌ای از مسائل و پرسش‌ها پیرامون تربیت به صورت تخصصی در سطحی انتزاعی و عام (نظری) پاسخ داده شوند یعنی تحقیقات تربیتی علی‌الاصول در بخش مفروضات و چهارچوب نظری خود نیازمند اتکا بر تحقیقات نظریه پردازانه علوم تربیتی هستند.

۴- جلب توجه نظریه پردازان تربیتی به یافته‌های معتبر انواع پژوهش تربیتی کاربردی نیز می‌تواند نقش بسزایی را در جریان تولید و تدوین نظریات تربیتی و اصلاح و تعدیل واقع‌بینانه نظریات تربیتی ایفا کند. (حرکت متقابل از سطح عمل تربیتی به سوی سطح پردازش فرازمانی و فرامکانی نظریه‌های تربیتی) به این ترتیب که در فرآیند تدوین و پردازش نظریات تربیتی، نظریه‌پرداز باید علاوه بر الهام از مفروضات نظری پژوهش (سخت هسته نظریه تربیتی)، با نتایج تحقیقات تربیتی کاربردی در زمینه موضوع بحث به طور دقیق آشنا باشد و از یافته‌های تجربی آنها برای مواجهه‌ای واقعی‌تر با مسئله پژوهش بهره‌گیرد. نکته مهم آن است که نتایج این تحقیقات کاربردی اطلاعات نسبتاً دقیقی را از طیف متنوع سیاستها و اقدامات تربیتی و آثار آنها در اختیار نظریه‌پرداز تربیتی گذاشته و از تعمیم‌های غیر واقعی و یا خیال‌پردازی در مقام نظریه‌پردازی پیشگیری می‌نمایند. البته ارتباط مستقیم و گفتگوی نظریه‌پردازان با کارگزاران تربیتی نیز در همین راستا بسیار موثر می‌باشد، که می‌تواند بازخوردهای مناسبی را در جهت شناخت دقیقتر مشکلات تربیتی و ابعاد و آثار آنها و نیز تعدیل واقع‌بینانه ایده‌های نخستین نظریه‌پرداز تربیتی در مواجهه با آن مشکلات فراهم آورد.

۵- نکته بسیار مهم و شایان توجه در بهره‌گیری دو گروه نظریه‌پردازان تربیتی و کارگزاران تربیتی از نتایج تحقیقات کاربردی پیشین، آن است که به هر حال این گونه پژوهش‌ها نمی‌توانند در خلأ نظری طراحی و اجرا شده باشند، بلکه لزوماً در بستر معینی از نظریه‌های تربیتی مقبول محقق و مبتنی برگزیده‌ای از آنها- در چارچوب‌های نظری معینی - شکل گرفته و لذا باید با عنایت به همین بستر، مورد تحلیل و تفسیر قرار گیرند. زیرا تحقیق تربیتی کاربردی چنانچه گفته شد لاجرم باید بر مبنای نظری مشخص، استوار و سازواری تکیه کند و نمی‌توان این نوع پژوهش را در فضای کاملاً عمل‌گرایانه و در خلأ تئوریک انجام داد؛ اما نکته مهم در چگونگی انجام این گونه تحقیق آن است که باید به لحاظ معطوف بودن مساله اصلی این نوع پژوهش به شناخت و حل و فصل مشکلات تربیتی مربوط به جامعه معین، مبانی و مفروضات نظری مورد قبول پژوهشگر نیز با فرهنگ و جهان بینی و نظام ارزشی خاص آن جامعه، دست کم متناسب و سازگار باشند تا همه مراحل پژوهش-از مواجهه با مشکل، تحلیل انتقادی مطالعات پیشین و تبیین مساله و فرضیه‌پردازی گرفته تا تدوین طرح تحقیق و جمع‌آوری اطلاعات و تحلیل و تفسیر و جمع‌بندی یافته‌ها و ارائه پیشنهادها کاربردی برای شناخت و حل مشکل مدنظر- همگی در فضای فرهنگی و ارزشی مقبول جامعه مفروض صورت گیرند. بنابراین بخشی از تلاش پژوهشگر کاربردی در عرصه تربیت باید در وهله نخست به تنقیح مبانی و مفروضات نظری پژوهش از لحاظ احراز تناسب آنها با عناصر فرهنگ بومی و نظام فکری و ارزشی جامعه خود اختصاص یابد. (افزون بر اینکه این مبانی و مفروضات بایستی از استواری لازم در مباحث علمی دانش مربوط نیز برخوردار باشند) و بخش دیگری از اهتمام محقق نیز، پس از موفقیت در این تلاش مقدماتی، بایستی مصروف احراز عناصر مختلف پژوهش (خصوصاً تعریف مفاهیم کلیدی و اطلاعات مورد نیاز و اعتباریابی ابزار و روش جمع‌آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل آنها) با این

مبانی و مفروضات گردد. والا با سهل انگاری و مسامحه عملی محقق در مورد این دو امر مهم، فرآیند پژوهش کاربردی و برآیند و نتایج آن به احتمال زیاد دچار ناسازگاری و تعارض آشکار یا پنهان با عناصر فرهنگ بومی و نظام ارزشی جامعه مفروض خواهد شد و در نتیجه نمی تواند راه حل مناسب و کارآمدی برای شناخت و حل مشکل تربیتی مد نظر ارائه نماید. (وچه بسا به همین سبب حتی در فهم مشکل تربیتی واقعی آن جامعه و تبیین مساله پژوهش هم ناکام باشد)

۶- اهمیت و ضرورت انواع تحقیقات تربیتی کاربردی ناشی از توجه به این مهم است که نتایج انواع تحقیقات نظریه پردازانه در عرصه علوم تربیتی متاسفانه برای حل و فصل مسائل تربیتی متعددی که جامعه با آنها روبروست - به سبب جنبه نظری و انتزاعی و کلی گویی مندرج در یافته های آنها و ملاحظه نکردن مقتضیات ملی / بومی و محلی عمل تربیت و توجه نکردن به مصادیق بسیار گسترده و متنوع آن در دنیای معاصر - در بسیاری از موارد کافی و موثر نیستند و تنها ارزش آکادمیک و علمی دارند و تنها در فرآیند تولید و توسعه علوم تربیتی بکار می آیند (نه برای کاربرد علوم تربیتی در مقام عمل) مگر اینکه به ضمیمه خود و مبتنی بر یافته های مطالعه نظری، تحقیقی کاربردی را برای شناخت و حل مسائل واقعی و مشخص نظام های تربیتی جامعه به همراه داشته باشند؛ لذا تحقیق تربیتی کاربردی گامی مهم و ضروری و گریز ناپذیر برای کاهش شکاف نظریه و عمل تربیتی (در موارد بروز و ظهور این شکاف) بحساب می آید.

۷- توجه به یافته های تحقیقات تربیتی کاربردی (انجام یافته در جامعه بومی)، موجب می شود نظریه پردازان تربیتی پس از مواجهه با واقعیات عمل تربیتی و آثار و نتایج واقعی سیاست ها، برنامه ها و اقدامات تربیتی در جامعه خود، در پژوهش های نظریه پردازانه خود این مشکلات و مسائل تربیتی واقعی را نیز در نظر گیرند و در نتیجه شکاف نظریه و عمل تربیتی را با ملاحظه مشکلاتی غیر واقعی و ذهنیت پردازی صرف و احیانا مساله بافی (بجای مساله یابی) عمیق تر نسازند و از طریق رجوع صرف به گزارش تحقیقات کاربردی تربیتی دیگر کشورها و دیدگاه سایر نظریه پردازان تربیتی، گرفتار ملاحظه مشکلات تربیتی دیگر زیست بوم ها و مواجهه با مسائلی شوند که متفکران سایر فرهنگ ها با آنها (بر اساس نظام ارزشی مقبول خود) روبرو هستند و در نتیجه تحقیقات نظریه پردازانه خود را معطوف به شناخت و حل برخی مشکلات و مسائل کاملاً بیگانه از زیست بوم و فرهنگ خود نمایند.

۸- کارگزاران تربیتی در همه سطوح این جریان (اعم از لایه های سیاستگذاری، برنامه ریزی، مدیریت و اجرا و ارزشیابی و اصلاح تدابیر و اقدامات تربیتی) نیز پس از مواجهه با یافته های انواع تحقیقات تربیتی کاربردی و مفید یافتن آنها در مقام عمل، می توانند بتدریج و در مقام عمل تربیتی از کم توجهی (یا بی توجهی) به دانش و پژوهش تربیتی و از مواجهه سلیقه ای یا رویکرد آزمایش - خطا و یا تقلید صرف از دیگران (گرفته برداری از تجارب تربیتی ظاهراً موفق دیگر کشورها یا پیروی مطلق از سیاست های تربیتی پیشنهادی از سوی مجامع بین المللی) فاصله بگیرند و ضمن التزام به نتایج انواع تحقیقات معتبر تربیتی کاربردی، با توجه به جایگاه نظریات تربیتی به عنوان پشتیبان تحقیقات تربیتی کاربردی، ابتدای نهایی اعمال تربیتی بر نظریه های معتبر تربیتی را به رسمیت بشناسند و در نتیجه از تکیه خوش بینانه بر نتایج هر گونه پژوهش تربیتی کاربردی در مقام عمل، بدون ملاحظه و احراز استواری مبانی و مفروضات نظری آن اجتناب نمایند. بدین ترتیب کارگزاران تربیتی گامهای مهمی در جهت کاهش شکاف بین نظریه و عمل تربیتی برخواهند داشت.

۹- مساله پژوهش تربیتی کاربردی با توجه به گستره و قلمرو وسیع این نوع پژوهش و لزوم تکیه این نوع پژوهش بر مبانی نظری و امکان اتکای آن بر انواع سه گانه دانش تربیتی (دانش فلسفی، دانش تجربی و دانش عملی)، می تواند صبغه ی فلسفی (philosophical) ، تجربی (scientific) و یا عملی (practical) داشته باشد، البته به این شرط که چنانچه گفته شد در عین حال معطوف به مشکل تربیتی معینی در جامعه مشخص بوده و یافته های آن در راستای کمک به شناخت و یا حل و فصل آن مشکل سودمند بوده و بکار آید. بنابراین یافته های پژوهش تربیتی کاربردی - با عنایت به کارکردهای متنوع توصیف، تفسیر، تحلیل، تبیین و پیش بینی، نقد و ارزیابی و یا تجویز (مفاهیم، اهداف اصول و روش ها و برنامه های عملی تربیت) که انواع نظریه های تربیتی در جهت شناخت و هدایت جنبه های گوناگون فرآیند تربیت دارند - ضرورتاً به توصیه ها و پیشنهاد های تجویزی (prescriptive) و عملی (practical) برای حل یک مشکل تربیتی خاص منجر نمی شوند و می توانند مانند انواع تحقیقات توصیفی کیفی تنها به فهم و تفسیر و تبیین بهتر یک پدیده تربیتی خاص (ولو پدیده ای تاریخی) کمک کنند یا نظیر برخی تحقیقات فلسفی کاربردی فقط به تحلیل مفهومی، تحلیل استعلایی یا بررسی انتقادی یا درک تبارشناسانه یک تدبیر و برنامه خاص تربیتی در جامعه بیانجامد و از این طریق بطور غیرمستقیم به شناخت و حل و فصل مشکل تربیتی خاصی در جامعه مشخص کمک کنند (بدون اینکه هیچگونه توصیه و راهنمایی عملی را ارائه کنند که ناظر به بهبود عملی وضعیت موجود عمل تربیت در جامعه باشد). بنا بر این دامنه مسائل پژوهش تربیتی کاربردی برخلاف تصور ابتدایی با عنایت به وسعت مفهوم عمل تربیتی، ناظر به گستره انواع مشکلاتی می شود که سطوح و لایه های متنوع عمل تربیت از سیاستگذاری و برنامه ریزی کلان ملی تا مدیریت و اقدام تربیتی در یک مدرسه و یک کلاس را در برمی گیرند. لذا مساله این نوع پژوهش هم موارد بسیار مشخص و معین - نظیر پرسشها در تحقیقات موردی (case study) و اقدام پژوهی (action research) و درس پژوهی (lesson study) - را در برمی گیرد و هم مواردی نسبتاً عام و به لحاظ مخاطب فراگیر و گسترده - نظیر پرسشها در تحقیقات سیاست پژوهی (policy research) در سطوح ملی و یا تحقیقات بین المللی تطبیقی (نظیر مطالعات تیمز و پرلز) - را شامل می شود (البته پرسش هایی که ارتباط با مشکلات تربیتی زمان و مکان و جامعه معین داشته باشند)، بلکه گستره این نوع تحقیقات کاربردی شامل آن دسته از مطالعات تربیتی با صبغه نظروزرانه (Speculative) - و البته نه با ماهیت نظریه پردازانه (Theoretical) - هم می شود که به مثابه پشتیبان عمل تربیتی در موقعیت خاص طراحی و اجرا شوند (نظیر مجموعه مطالعات نظری سند تحول بنیادین که چنانچه می دانیم با رویکرد نظروزرانه با هدف تدوین الگوهای کلان نظری/ بومی با رویکرد اسلامی و ایرانی متناسب با نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران برای پشتیبانی از فرآیند برنامه ریزی راهبردی این نظام طراحی و اجرا شدند و تلفیق یافته های این مطالعات نیز نهایتاً به تدوین مبانی نظری سند تحول بنیادین راهبردی این نظام در افق ۱۴۰۴ منجر گشت).

۱۰- اصل مساله محوری یعنی محوریت پرسشی خاص، مربوط به مشکل تربیتی معین (برحسب زمان و مکان و موقعیت) در جامعه مشخص که پاسخی نوآورانه و بدیع می طلبد - در تحقیق تربیتی کاربردی، شرط لازم و مقوم ماهیت این نوع پژوهش (و نه امری شایسته و تنها به مثابه شرط کمال آن) برای نقش آفرینی در کاهش شکاف نظریه و عمل به شمار می آید. یعنی اگر به آنچه در مقام تعریف تحقیق تربیتی کاربردی و نقش مهم آن در واسطه شدن بین نظریه و عمل تربیتی - در موارد بروز شکاف نظریه و عمل گفته شد،



ملتزم باشیم و بخواهیم این نوع پژوهش را انجام دهیم لاجرم باید در این نوع پژوهش به اصل مساله محوری (به معنای یاد شده) ملتزم باشیم والا یا اساسا تحقیقی انجام نمی دهیم و برخی اطلاعات را در باره یک مشکل تربیتی جمع آوری و تفسیر می کنیم که با وجود مفید بودن برای کاربرد یافته های علمی در جهت شناخت و حل آن مشکل، به نوآوری خاصی نمی انجامد (و بالطبع در اصطلاح رایج، فعالیت پژوهشی نخواهد بود) و یا اینکه مساله تربیتی مهمی را محور پژوهش خود قرار می دهیم که به مشکلی کلی و فرازمانی و فرامکانی معطوف است (و در نتیجه تحقیق ما از نوع تحقیقات تربیتی نظری خواهد بود) و یا اینکه ناظر به مشکل و نیاز تربیتی مشخصی است که متعلق به زیست بوم و شرایط خاص جامعه ما نبوده و در نتیجه گام مفید و موثری را در جهت کمک به شناخت و حل مشکلات و چالش های تربیتی ویژه جامعه خود برداشته ایم (یعنی تحقیق تربیتی ما کاربردی و مفید خواهد بود اما برای کمک به شناخت و حل و فصل مشکلات تربیتی جوامع دیگر!!!!)

به این ترتیب اگر تحلیل یک گزارش پژوهش تربیتی نشان ندهد که این فعالیت در مرحله طراحی، ناظر به فهم و حل و فصل کدام مشکل و نیاز تربیتی واقعی و خاص (مربوط به جامعه ای معین) بوده است؟ و یا این تلاش پاسخگویی روشمند به کدامین مساله معین در باره مشکل یاد شده را در نظر داشته است؟ (یعنی پرسشی مشخص و مهم در این باره که تلاش های عالمانه پیشین از نظر محقق و با توجه به مفروضات او نمی توانند آن را پاسخ دهند و باید کاری نوآورانه برای این پرسش مهم انجام گیرد) و یا پس از گزارش انجام روشمند مراحل تحقیق و تحلیل و تفسیر داده ها و جمع بندی نتایج پژوهش مشخص نشود که یافته های این گزارش چگونه می توانند در رفع نیاز های واقعی برخی از کارگزاران عمل تربیت در جامعه در راستای شناخت و حل مشکل تربیتی مفروض (با عنایت به شرایط اجتماعی و فرهنگی آن جامعه) موثر واقع شوند؟، نباید چنین تلاشی را از جمله تحقیقات تربیتی کاربردی دانست.

۱۱- نکته مهم دیگر در تبیین چگونگی انجام تحقیق تربیتی کاربردی و نقش آفرینی آن در کاهش شکاف بین نظریه و عمل تربیتی، این است که با وجود تفاوت روش شناختی «مشکل» (Difficulty) و «مساله» (Problem) و ضرورت طی فاصله مهم بین تشخیص مشکل و فهم و تبیین مساله تحقیق توسط خود محقق و تبدیل مشکل به مساله از سوی شخص وی با تحلیل انتقادی مطالعات پیشین از منظر مباحث دانش مربوط و به اتکای مفروضات نظری مقبول خود، محقق هرگز نمی تواند در آسیب شناسی وضعیت تربیتی موجود به منظور فهم مشکل و چالش تربیتی واقعی ابعاد و حدود آن و نیز در ارزیابی تلاش های عالمانه قبلی برای فهم و حل آن مشکل و تبدیل آن به مساله پژوهش خود، تنها به معلومات شخصی و شهودی خود و صرفا بحث با همگنان متخصص در رشته مربوط و مطالعه و مرور انتقادی ادبیات پژوهش، تکیه کرده و از حضور در صحنه واقعی تربیت و ارتباط فعال با کارگزاران تربیتی و دیدن مشکل و تحلیل ابعاد و عوامل آن از منظر ایشان (به بهانه متخصص نبودن آنها) اجتناب نماید؛ بلکه به نظر می رسد در تحقیق تربیتی کاربردی باید تعامل و گفتگوی جدی و مستمری بین تیم پژوهش و کارگزاران تربیتی مرتبط با موضوع صورت پذیرد (هم برای فهم دقیق مشکل تربیتی و ابعاد و اضلاع آن و هم برای اقناع کارگزاران تربیتی به درک و تصدیق مساله اصلی پژوهش و نیاز مبرم به پاسخگویی روشمند به آن مساله در راستای حل و فصل مشکل مورد نظر)؛ زیرا هدف از این نوع تحقیق در نهایت، رسیدن به راه حل های نوآورانه ای برای مشکل تربیتی مفروض است که لاجرم باید توسط کارگزاران اصلی و با اعتماد ایشان به یافته های معتبر تحقیق تربیتی کاربردی مفروض تحقق

یابند. لذا محقق بایستی از رهگذر این گفتگو و تعامل فعال، ذهنیت کارگزار را نسبت به نحوه تلقی از مشکل تربیتی و تحلیل آن به مساله پژوهش کاربردی و لزوم انجام این نوع پژوهش و نیاز واقعی عمل تربیت و بهبود آن به تکیه بر یافته های معتبر چنین تحقیقی، با فکر و اندیشه خود همراه سازد و چه بسا در این تعامل دوسویه، تلقی ابتدایی خود پژوهشگر از مشکل مد نظر و مساله تحقیق خود و نحوه پاسخگویی به آن نیز در اثر بازخوردهای تاملی و واقع بینانه کارگزاران تربیتی فکور اصلاح شود. لذا این تعامل و گفتگوی مستمر در تحقیقات تربیتی کاربردی موجب کاهش شکاف نظریه و عمل تربیتی خواهد شد.

## نتیجه گیری

بنابر این تحلیل از شکاف بین نظریه و عمل تربیتی و تبیین نقش مهم پژوهش تربیتی کاربردی در مواجهه با آن، همه اقسام تحقیقات تربیتی رایج در عموم موسسات آموزشی و پژوهشی کشور ما - که با رویکردهای کمی، کیفی و یا ترکیبی به پژوهش تربیتی و در انواع آزمایشی (تجربی)، شبه آزمایشی، زمینه یابی، تاریخی، تحلیلی - استنتاجی، قوم نگاری، سیاست پژوهی، پدیدارشناسی، تبارشناسی، تحلیل انتقادی، تحلیل محتوا، ارزشیابی، علی-مقایسه ای، تطبیقی، مطالعه داده بنیاد، نیازسنجی، مورد پژوهی، اقدام پژوهی، درس پژوهی و یا فراتحلیل و سنتز پژوهی به منظور توصیف، فهم و تفسیر، تحلیل، تبیین، پیش بینی آثار و نتایج، نقد و ارزیابی و یا بهبود انواع سیاست ها، برنامه ها و اقدامات تربیتی جامعه ما (در انواع تربیت رسمی و غیررسمی) طراحی و انجام می شوند-، تنها در صورتی امکان قرار گرفتن در زمره تحقیقات تربیتی کاربردی (کارآمد و مفید برای عمل تربیت در جامعه ما) و نقش آفرینی در کاهش شکاف نظریه و عمل تربیتی در جامعه ما را دارند که با بررسی گزارش این تحقیقات بتوان نشان داد که:

- اولاً با وجهی نوآورانه در جهت شناخت و حل مشکلات و نیازهای خاص نظام های تربیتی و یا دیگر انواع تربیت در کشور ما و ناظر به مشکلی واقعی و مهم در این جامعه (که براساس شواهد معتبر در محیط عمل تربیت موجود و محسوس است) و با هدف پاسخگویی نوآورانه و روشمند به مساله تربیتی مشخصی مربوط به این مشکل معین، با تکیه بر چهارچوب نظری متناسب و استواری، طراحی و اجرا شده اند؛
- ثانياً نتایج و دستاوردهای این نوع تحقیقات می توانند برای رفع نیازهای کارگزاران تربیت کشور در سطوح مختلف ملی و محلی (در لایه های سیاستگذاری، برنامه ریزی و مدیریت و اجرا و ارزشیابی) در راستای شناخت و بهبود عمل تربیت سودمند باشند و در روند توصیف، فهم و تفسیر، تحلیل، تبیین، پیش بینی آثار و نتایج، و نقد و ارزیابی یا اصلاح مولفه های عمل تربیتی معین (فعالیت تربیتی در مکان و زمان مشخص) در جامعه ایران - و با عنایت به شرایط اجتماعی خاص بومی/ محلی و تناسب با عناصر فرهنگ بومی و نظام فکری و ارزشی فرهنگی این جامعه - علی الاصول بکار می آیند .

لذا در صورتی که نتوانیم تحقق این دو شرط را در باره هر یک از انواع فعالیت های پژوهشی یادشده احراز کنیم ، بنظر می رسد که چنین تلاش هایی ( ولوبا فرض اعتبار علمی ) نمی توانند در کاهش شکاف بین نظریه و عمل تربیتی در جامعه معاصر ایران نقش داشته باشد وحتی باید گفت که استفاده از عنوان پژوهش تربیتی کاربردی مفید و کارآمد (در روند بهبود جریان تربیت در کشور ما) نیز در خصوص آنها محل تامل جدی باشد .

البته به نظر می رسد داوری نهایی نسبت به مفید و کارآمد بودن یک طرح پژوهش تربیتی کاربردی در جامعه ایران ، پس از التزام عموم کارگزاران تربیتی به مجموعه توصیه ها و پیشنهادهای مبتنی بر یافته های معتبر آن طرح و با سنجش میزان سودمندی ، توانمندی و کارآمدی و واقع بینی مجموعه این توصیه ها و پیشنهادها در مقام کمک به کارگزاران عمل تربیت در راستای شناخت و حل و فصل مشکل تربیتی موردنظر در جامعه و در نتیجه با توجه به میزان زمینه سازی واقعی این پژوهش کاربردی برای تسهیل حرکت از نظریه تربیتی بسوی عمل تربیتی و نقش آفرینی آن در کاهش شکاف بین نظریه و عمل تربیتی صورت خواهد گرفت.